

الگوی روش تدریس در تدوین برنامه درسی حوزه علوم پزشکی جهت ارتقای سرمایه اجتماعی دانشجویان

فروزان تنکابنی^{۱*}، فاطمه‌السادات رباطی^۲

۱. دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران

● پذیرش مقاله: ۹۴/۱۲/۱۶

● آخرین اصلاح مقاله: ۹۴/۱۲/۹

● دریافت مقاله: ۹۴/۸/۳۰

زمینه و هدف: پس از طرح مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی، توجه صاحب نظران به توانایی برنامه‌های درسی در توسعه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن یعنی اعتماد، انسجام و مشارکت جلب شده است. هدف از انجام پژوهش حاضر، ارائه الگوی تدریس در تدوین برنامه درسی برای دانشجویان حوزه علوم پزشکی جهت تقویت سرمایه اجتماعی میان آنان بود.

روش کار: برای پاسخ به این سؤال که چه مدل روش تدریسی برای ارتقای سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان علوم پزشکی می‌توان ارائه داد، تحقیقی از نوع کیفی و با روش گراند تئوری در سال ۱۳۹۳ انجام شد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه بود. استادان برنامه‌ریزی درسی در حوزه علوم پزشکی (۱۸ نفر)، در مطالعه شرکت داشتند. نمونه‌گیری از نوع هدفمند بود و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد.

یافته‌ها: روش تدریس به عنوان مقوله اصلی تحقیق شناسایی شد. سپس، برای مقوله اصلی تحقیق موانع، راهبردها و پیامدها تفکیک و در قالب مدل پارادایمی ترسیم شد و مدل نهایی تحقیق به دست آمد.

نتیجه‌گیری: هنگام تدوین برنامه درسی برای دانشجویان علوم پزشکی، روش‌های تدریس باید با در نظر گرفتن مؤثر بر توسعه سرمایه اجتماعی طراحی شود.

کلید واژه‌ها: برنامه درسی، سرمایه اجتماعی، روش تدریس، دانشجویان علوم پزشکی، اساتید علوم پزشکی

*نویسنده مسئول: گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

● تلفن: ۰۲۱-۳۶۱۵۷۱۱۱ ● نمابر: ۰۲۱-۳۶۱۱۴۲۸۲

مقدمه

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از اشکال سرمایه، تأثیر زیادی بر موفقیت جامعه دارد. صاحب نظران کارکردهای بسیاری برای سرمایه اجتماعی قایل شده اند. سرمایه اجتماعی با استفاده از همانندی‌ها و همسانی‌های افراد جامعه از جهات گوناگون باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل می‌شود و در خدمت منافع اقتصادی قرار می‌گیرد. همچنین، بستر و فضایی ایجاد می‌کند که ضمن کاهش هزینه، استفاده از نیروهای انسانی و تعامل بین آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد (۱).

Light (جامعه شناس) اصطلاح سرمایه اجتماعی و همچنین، Loury (اقتصاددان) نیز این اصطلاح را برای توصیف مشکل اقتصاد درون شهری به کار بردند. سرمایه اجتماعی توسط Coleman جامعه‌شناس در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفت و Putnam دانشمند علوم سیاسی نفر دومی بود که بحثی قومی و پرشور را در مورد نقش سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی در ایتالیا و ایالات متحده برانگیخت. تحقیقات این افراد منجر به شکل‌گیری رسمی سرمایه اجتماعی و استفاده آن در بسیاری از علوم میان‌رشته‌ای شد (۲).

به نظر Putnam سرمایه اجتماعی از مؤلفه‌های سازنده زندگی اجتماعی افراد تشکیل شده که در اثر به هم پیوستن آن‌ها، افراد می‌توانند به شیوه نتیجه بخشی به اهداف خویش دست یابند. وی عقیده دارد که این شکل از سرمایه اهمیت یکسانی برابر با سایر اشکال سرمایه دارد (۳).

در پژوهشی سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی دانسته شده که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و سبب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (۴).

کارشناسان معتقدند که افزایش سرمایه‌های اجتماعی شامل حسن اعتماد، امیدواری به آینده، اتکا به جامعه و همبستگی آن، برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد رفاه، تحمل، مدارا، گذشت و وفای از اصلی‌ترین راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار در یک جامعه است. عضویت در یک گروه، همبستگی

را به وجود می‌آورد که حاصل شدن منفعت‌ها را ممکن می‌سازد. پس، سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی است (۵). در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی بالا باشد، افراد جامعه به علت داشتن پیوند، حس همیاری و روحیه کار گروهی، سرمایه اقتصادی خود را برای جامعه در جریان و گردش قرار می‌دهند تا هم خود از سرمایه و ثروتشان بهره‌مند شوند و هم دیگر افراد جامعه از این سرمایه‌گذاری بهره ببرند (۶).

با توجه به موارد فوق، می‌توان گفت که مفهوم سرمایه اجتماعی به این معنی است که مشارکت کردن در گروه و جامعه می‌تواند برای فرد منافع و کارکردهای مثبت داشته باشد. سازمان‌هایی نیز با کمک دولت‌ها به دنبال گسترش ارزش‌هایی هستند که از تعهد مدنی حمایت می‌کند. یکی از این سازمان‌ها، نظام آموزشی است. در سال‌های اخیر، آموزش به عنوان یکی از تولید کنندگان قدرتمند سرمایه اجتماعی مطرح شده است. در دانشگاه‌ها باید روحیه علمی، نقد، خلاقیت، توانایی برقراری ارتباطات علمی، توان بازآفرینی و نیز توانایی ترکیب و تلفیق ایده درون دانشجویان شکل گرفته و در عین حال آینده‌نگری، مشارکت‌پذیری و تثبیت هویت در تعامل با دیگران داخل محیط دانشگاه تقویت شود. بنابراین، دانشگاه فقط در حوزه آموزشی عمل نکرده و در واقع، از آن‌جا که آموزش عالی و سرمایه اجتماعی با یکدیگر در ارتباط است، دانشگاه باید توانایی توسعه سرمایه اجتماعی را داشته باشد (۷).

در تحقیقی بین اهداف آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و نیازسنجی با مؤلفه‌های مشارکت و اعتماد در سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود داشت (۸). سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. همچنین، سرمایه اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است و اعتماد میان مردم،

دولتمردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی می‌شود (۹).

مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و همچنین، سبب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. در این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیک با سرمایه اجتماعی بیان می‌شود (۱۰).

در تحقیق دیگری چنین نتیجه‌گیری شد که مهم‌ترین مسأله در شکل‌دهی یک جامعه دارای سرمایه اجتماعی مناسب توجه به اعتماد، انسجام، همبستگی و مشارکت اجتماعی افراد است و بدون انسجام و مشارکت افراد در سایه اعتماد پایداری، نظم نوین اجتماعی غیر ممکن است (۱۱).

در کتاب درامدی بر جامعه شناسی، برخی از عمده‌ترین پیش‌نیازهای عملکردی جامعه باید در زمان تعیین هدف، محتوا و روش تعلیم و تربیت در برنامه‌های درسی مورد تأکید قرار گیرد. فراگیران سیستم آموزشی به عنوان اعضای جامعه باید بدانند، جامعه‌ای که در آن به سر می‌برند، چگونه است و چگونه آن‌ها می‌توانند نقش اجتماعی خود را به نحو احسن ایفا نمایند. در صورت عدم شناخت و آگاهی مربیان و برنامه‌ریزان درسی از این دسته مسایل، امکان دارد تا اهداف و محتوای برنامه‌های درسی با نیازها و مسایل اجتماعی تعارض و ناهمخوانی داشته باشد و این امر موفقیت برنامه‌ها را کاهش می‌دهد (۱۲).

در یک مطالعه، ۹ عنصر اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس، مواد و منابع یادگیری، ارزشیابی، زمان، فضا و گروه‌بندی عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی معرفی شده است. رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه، سند برنامه درسی یا یک برنامه درسی خاص را در بردارنده تصمیم مربوط به چهار عنصر هدف‌ها، محتوا، روش و ارزشیابی قلمداد می‌کند (۱۳).

در مقاله‌ای نتیجه‌گیری شد که برای ارتقای سرمایه اجتماعی، باید برنامه درسی در آموزش عالی بر اساس توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و نیازهای جامعه تنظیم گردد (۱۴). مطالعه‌ای تعلیم دهندگان را به عنوان اندیشمندان تحول‌گرا می‌شناسد؛ به این معنی که فعالیت آموزشی ایجاد کننده شکلی از تفکر است. انتخاب و اجرای مناسب روش‌های یاددهی-یادگیری به عنوان یکی از اجزای مهم برنامه درسی، در شکل‌گیری و تقویت مفاهیم ارزشمند درون ذهن بسیار اهمیت دارد. در فرایند تدریس، استادان باید روش‌ها و موادی را که به دانشجویان در یادگیری محتوا کمک می‌نماید، برای کاربرد انتخاب کنند (۱۵).

تدریس فعالیتی است که آگاهانه و بر اساس هدف خاصی انجام می‌گیرد و موجب تغییر فراگیران می‌شود که امر ساده‌ای نیست. مدرس در تدریس با متغیرهای متفاوتی سر و کار دارد که سعی می‌کند با دستکاری و کنترل متغیرهای مختلف، وضعیتی به وجود آورد که یادگیری صورت گیرد (۱۶).

اختیاراتی که استادان در اختیار داشته تا در شرایط تدریس تغییراتی دهند و عوامل مؤثر بر آن را برای درس خود مفید گردانند، الگوهای تدریس است که شامل الگوی حل مسأله، پیش‌سازمان دهنده‌ها، تدریس انفرادی، الگوهای اجتماعی و... می‌باشد. این الگوها مانند طرح و نقشه عمل می‌کند (۱۷).

تحقیقات انجام شده، نشان دهنده این موضوع است که آموزش عالی در عین توسعه کمی بسیار زیاد خود در دهه‌های گذشته، نتوانسته خود شکوفایی و توسعه سرمایه اجتماعی را به درستی انجام دهد. این موضوع درباره شیوه‌های تدریس که بخش مهمی از برنامه درسی به شمار می‌آید، نیز مصداق دارد.

هدف از انجام مطالعه حاضر، ارایه الگوی روش تدریس با تأکید به شناسایی موانع، استراتژی‌ها و راهبردهای مؤثر بر توسعه سرمایه اجتماعی میان دانشجویان حوزه علوم پزشکی بود. با توجه به هدف فوق، سؤال تحقیق به این صورت مطرح شد که چه مدل روش تدریسی برای ارتقای سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان علوم پزشکی می‌توان ارایه داد؟

روش کار

مطالعه حاضر، به روش کیفی از نوع زمینه‌ای (Grounded theory) یا بنیانی انجام شد. تئوری بنیانی، روش پژوهشی اکتشافی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد تا خود به تدوین تئوری اقدام کند. با توجه به این که در تحقیق حاضر برای نخستین بار تلاش شد تا روش تدریس مبتنی بر سرمایه اجتماعی طراحی شود، امکان استفاده از روش‌های متعارف تحقیق فراهم نبود. تنها داده مورد استناد در این تحقیق نظرات افراد بود که در خلال جلسات مصاحبه جمع‌آوری شد. علاوه بر منحصر بودن اطلاعات به مصاحبه‌ها، این داده‌ها به شدت پراکنده و حاوی مفاهیم و مقولات بسیار زیادی بود. با توجه به این موضوعات برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تبدیل آن‌ها به اطلاعات قابل استفاده در مدل، باید از روشی استفاده کرد که در عین جامع بودن، توانایی مانور و انعطاف بالایی نیز داشته باشد. به همین دلیل، از روش زمینه‌ای یا بنیانی استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل استادان با تجربه حداقل ۱۰ سال فعالیت در زمینه برنامه‌ریزی درسی، آموزش و نگارش کتب درسی درون حوزه علوم پزشکی بود که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور سال ۱۳۹۳ مشغول به تدریس بودند. در روش کیفی، تعداد مصاحبه‌ها باید حداکثر ۱۰ مورد باشد، ولی در این تحقیق به دلیل این که با شرکت کنندگان رشته‌ها و دانشگاه‌های مختلف مصاحبه انجام گردید، کلیه اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۸ مورد جمع‌آوری گردید. پس از کسب اطمینان اشباع نظری در مطالب به دست آمده، از آن‌جا که دیگر اطلاعات جدیدی به دست نیامد، فرایند مصاحبه‌ها متوقف شد. در مصاحبه، ۱۰ نفر از استادان دانشگاه‌های دولتی علوم پزشکی و ۸ نفر از دانشگاه‌های آزاد اسلامی سراسر کشور در رشته‌های مختلف علوم پزشکی شرکت داشتند. روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposeful sampling) از نوع موارد مطلوب استفاده گردید. به این معنی که برای انتخاب افراد با مذاکرات و همچنین، بررسی تعداد مقالات و کتب منتشر شده توسط

استادان تلاش شد تا افرادی انتخاب شوند که تسلط کافی بر موضوع داشته و تجربه تدوین برنامه درسی در حوزه علوم پزشکی داشته باشند.

پس از انجام هماهنگی مقدماتی با افراد و تنظیم وقت، جلسات در دفتر محقق و یا در محل کار پاسخگو برگزار شد. پیش از شروع جلسه، به مدت ده دقیقه توضیحات کاملی درباره هدف از انجام تحقیق و شیوه نتیجه‌گیری از آن به مصاحبه شونده ارائه گردید و سپس، جلسه شروع می‌شد. برای داشتن اطلاعات کامل، ضمن کسب اجازه از مصاحبه شونده، تمام جلسات ضبط و بر پایه این مدارک، متن مصاحبه‌ها پیاده شد. ابتدا با طرح ۲ سؤال کلی شامل وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد یا مشارکت را در میان دانشجویان، چگونه می‌بینید؟ و دانشگاه‌ها از چه طریقی می‌توانند سرمایه اجتماعی را در بین دانشجویان توسعه دهند؟ محقق به موضوع جلسه وارد شده و با استفاده از پاسخ‌های داده شده توسط مصاحبه شونده، سؤالات بعدی پرسیده شد. در طول جلسات تلاش بر این بود که بدون ایجاد حساسیت در مصاحبه شونده از انحراف موضوع جلسه جلوگیری شده و فقط در چارچوب از پیش تعیین شده حرکت شود. مصاحبه‌ها به صورت فردی برگزار شده و مدت هر مصاحبه بین یک تا دو ساعت بود. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش کدگذاری داده‌ها از نوع باز، محوری و انتخابی استفاده شد.

در کدگذاری باز، ضمن استفاده از تکنیک مقایسه کردن و پرسیدن داده‌های مربوط به پدیده مورد مطالعه با بررسی دقیق، نام‌گذاری و مقوله‌بندی شد. پس از حذف گفته‌های نامرتبط با موضوع تحقیق، اطلاعات در قالب ده‌ها پاراگراف دسته‌بندی گردید و پاراگراف‌هایی که موضوع مشابه داشت، در کنار یکدیگر قرار گرفت و مفاهیم از دل سخنان بیرون کشیده شد.

در کدگذاری محوری داده‌هایی که در گذشته درون کدگذاری باز به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بود، با شیوه‌های جدید به یکدیگر پیوست. در این مرحله، میان یک مقوله و مقوله‌های فرعی آن پیوند برقرار گردید. این کار با به کارگیری

یافته‌ها

در کدگذاری باز، ۹۸ کد مفهومی از تمامی نظرات مصاحبه شونده‌گان به دست آمد. در کدگذاری محوری، مفاهیم سطح دوم حاصل شد. با این روند تعداد مفاهیم، کاهش چشمگیری پیدا کرد. در آخرین مرحله، مقوله اصلی تحقیق یعنی شیوه‌های تدریس در کدگذاری انتخابی شناسایی شد. برای ترسیم مدل پارادایمی، ۹۸ کد به دست آمده به سه بخش موانع، راهکارها و نتایج تقسیم شد.

۱- موانع

تعداد مفاهیم سطح اول در خصوص موانع روش تدریس موجود، ۴۰ گویه بود که در سطح دوم به ۵ کد شامل سهولت شیوه‌های تدریس کلاسیک و سنتی، مشارکت ضعیف دانشجو در کلاس، تأکید زیاد بر منابع معرفی شده، مسلط نبودن استادان به استفاده از تکنولوژی و تمرکز دانشجو بر مطالب بیان شده از سوی استاد تقلیل یافت. در زیر هر یک از تم‌های فرعی همراه با حداقل یک نمونه از عبارات مصاحبه شونده‌گان درج شده است.

۱-۱ سهولت شیوه‌های تدریس کلاسیک و سنتی

خارج شدن از فرمت استاندارد و قدیمی تدریس، اغلب با مقاومت از سوی دانشجویان روبه‌رو می‌شود. باید این طرز تفکر عوض شده و روح تازه‌ای در سیستم تدریس دانشگاه‌ها دمیده شود (مصاحبه شونده ۱۲).

استادان با مقالات جدید و مباحث علمی جدیدی که در دنیا مطرح شده آشنا نبوده و به همین دلیل در کلاس درس خود نیز با شیوه قدیمی و طبق روشی که به آن عادت کرده‌اند، عمل می‌کنند (مصاحبه شونده ۱۸).

۱-۲ مشارکت ضعیف دانشجو در کلاس

شیوه‌های تدریس فعلی کمک چندانی به تقویت گرایش افراد به فعالیت در جمع نمی‌کند. برنامه‌های درسی باید در بخش شیوه تدریس به گونه‌ای طراحی شود تا فرد روحیات و گرایشات لازم برای کار در جمع را پیدا کند (مصاحبه شونده ۱).

یک مدل پارادایمی (Paradigm model) شامل موانع (Causal conditions)، راهکارها (Strategies)، نتایج (Results) و در کنار هم قرار دادن مفاهیم مشابه انجام شد. در کدگذاری انتخابی، مقوله هسته‌ای انتخاب و ارتباط آن با سایر مقوله‌ها و افزایش اعتبار این روابط با جستجوی موارد تصدیق یا عدم تصدیق انجام شد. پس از تعیین مقوله اصلی، طبق مدل پارادایمی مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی مرتبط شد. سپس، مدل نهایی تحقیق ترسیم و در آن ارتباط مفهوم هسته‌ای با سایر مفاهیم نشان داده شد.

جهت تعیین دقت و صحت اطلاعات به دست آمده، از چهار عامل اعتبار (Greditatability)، انتقال‌پذیری (Transferability)، قابلیت اعتماد (Dependentability) و قابلیت تأیید (Confirmability) استفاده گردید (۱۸). جهت تعیین اعتبار، به وسیله در میان گذاشتن یافته‌ها با مشارکت کنندگان و بازبینی از طریق آن‌ها انجام گردید. برای بررسی انتقال‌پذیری نیز تلاش شد که در انتخاب نمونه‌ها تنوع لازم در نظر گرفته شود و از رشته‌های مختلف استفاده گردد. همچنین، در ارتباط با تأیید پذیری فرایند، تلاش گردید تا استادان در درستی دریافت‌ها اتفاق نظر داشته باشند. در نهایت، برای قابلیت اعتماد، مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع اطلاعات ادامه یافت. همچنین، در این پژوهش جهت پایایی تحقیق از روش قواعد یادداشت برداری Kirk و Miller also استفاده شد.

هدف از انجام تحقیق حاضر، رویه‌های تحقیق، خطرات و فواید تحقیق و ماهیت داوطلبانه بودن شرکت در تحقیق برای شرکت کنندگان بیان گردید. حق شرکت کننده برای انصراف از حضور در تحقیق، در نظر گرفته شد. پس از ارایه اطلاعات لازم، به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات به دست آمده محرمانه خواهد ماند و نتایج پژوهش بدون ذکر نام آن‌ها منتشر خواهد شد. توقف مصاحبه برای استراحت کوتاه هنگام خستگی مصاحبه شونده و اجبار نکردن آن‌ها برای ادامه مصاحبه از مواردی بود که در طی فرایند مصاحبه رعایت گردید.

مسئولیت به دانشجوی، معرفی بهینه منابع درسی، استفاده از روش‌های تدریس فعال، تدریس هماهنگ با علم روز دنیا، ارزشیابی فعالیت‌های دانشجویان و استفاده از رسانه‌های جدید تقلیل یافت.

۱-۲ تفویض مسئولیت به دانشجوی

استفاده از شیوه‌های تدریس به صورت گروهی و یا حتی تدریس مباحث توسط دانشجوی و برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها می‌تواند تا حد زیادی تأثیر برنامه درسی بر سرمایه اجتماعی را اصلاح نماید (مصاحبه شونده ۴).

انجام کارها به صورت گروهی یک مهارت است که بیش از هر چیز نیاز به تمرین دارد. فضای آکادمیک به علت تضارب آرا و ماهیت گروهی آن مناسب‌ترین بستر برای این امر است (مصاحبه شونده ۱۸).

۲-۲ معرفی بهینه منابع درسی برخلاف سرفصل‌های مطرح شده در برنامه درسی برخی از استادان، فقط آموزش و ارزشیابی را بر اساس منابع درسی محدود و قدیمی که معرفی شده، قرار می‌دهد. این در حالی است که اگر استاد منابع درسی روز را انتخاب و تدریس کند و همان‌ها را نیز در پایان ترم از دانشجویان بخواهد، بیش از حالت قبل به مشارکت دانشجویان نیازمند است (مصاحبه شونده ۶).

بیان‌گزینی مباحث درسی و تأکید بر بخشی از آن‌ها در قالب جزوه، موجب خروج از برنامه درسی و عقیم ماندن آن می‌شود. باید با معرفی منابع متنوع، دانشجوی را تحریک به جستجو و ارتباط با سایر افراد در خارج کلاس درس نمود (مصاحبه شونده ۱۶).

استادان در بسیاری از دروس جزوه می‌گویند که امر اشتباهی است. برخی از جزوه‌های درسی حتی به لیست منابع کنکور تحصیلات تکمیلی راه یافته‌اند (مصاحبه شونده ۱۷).

۳-۲ استفاده از روش‌های تدریس فعال شیوه‌های تدریس فعال

شیوه‌های تدریس فعلی کمک چندانی به تقویت گرایش افراد به فعالیت در جمع نمی‌کنند. برنامه‌های درسی باید در

این اعتقاد در بین دانشجویان وجود دارد که تمرکز استادان بر سرفصل‌های تعیین شده برای هر جلسه و بیان مسلسل‌وار آن‌ها بی‌دردسرت‌ترین و بهترین شیوه برای تدریس است. این نگاه باید تغییر داده شود (مصاحبه شونده ۱۴).

۳-۱ تأکید زیاد بر منابع درسی معرفی شده

منابع درسی در شیوه تدریس، بسیار تأثیرگذار است. در حال حاضر، معرفی منابع درسی استادان متنوع و منطقی نیست. با این که برای برخی از سرفصل‌ها در سال چندین کتاب چاپ می‌شود، استادان منابعی معرفی می‌کنند که برای ۱۰ تا ۳۰ سال قبل هستند و تجدید چاپ می‌شوند (مصاحبه شونده ۶).

میزان آشنایی با زبان‌های اصلی از جمله انگلیسی در برخی از استادان ضعیف است و امکان استفاده از منابع متنوع چندان فراهم نمی‌شود (مصاحبه شونده ۱۰).

۴-۱ مسلط نبودن استادان به استفاده از تکنولوژی

استفاده از وسایل کمک آموزشی در دانشگاه‌ها با وجود پیشرفت تکنولوژی و دسترسی درصد قابل توجهی از دانشجویان کشور به مظاهر تکنولوژی از قبیل کامپیوتر و اینترنت، بسیار پایین است (مصاحبه شونده ۲).

در دوران آموزش به دانشجویان در دانشگاه، توجه چندانی به یاد دادن مواردی از قبیل استفاده از ویدیو پروژکتور، نرم‌افزارهای کاربردی مانند پاورپوینت و موارد مشابه آن نمی‌شود؛ در حالی که استفاده از متدهای جدید تدریس با این وسایل، خواه‌ناخواه بر مؤلفه انسجام و نقش‌پذیری افراد در گروه تأثیر مثبت می‌گذارد (مصاحبه شونده ۷).

۵-۱ تمرکز دانشجوی بر مطالب بیان شده از سوی استاد

دانشجو تمایل دارد تا حد ممکن منابع کمتری برای مطالعه و امتحان پایان ترم معرفی شود. اگر این منبع جزوه کلاس باشد استقبال دانشجویان خیلی بهتر می‌شود. باید این نگاه دانشجوی به برنامه درسی تغییر کند. (مصاحبه شونده شماره ۱۵)

۲- راهکارها

تعداد مفاهیم سطح اول در مبحث راهکارهای پیشنهادی روش تدریس ۳۰ گویه بود که به ۶ کد شامل تفویض

بخش شیوه تدریس به گونه‌ای طراحی شوند تا فرد روحیات و گرایشات لازم برای کار در جمع را پیدا کند. (مصاحبه شونده شماره ۱)

تمایل دانشجو به شیوه سستی تدریس در حالی است که شیوه‌های گروهی در تدریس و یا مشارکت دانشجویان در ارائه سمینار یا تاکید استاد بر تمرین‌هایی که با واقعیت‌ها سر و کار دارند مستقیماً بر سرمایه اجتماعی تاثیر می‌گذارند. (مصاحبه شونده شماره ۵)

۲-۴ تدریس هماهنگ با علم روز دنیا

شیوه تدریس انتخابی اساتید باید نو بوده و تکرار روش‌های قبلی نباشد. هم چنین این نکته نیز مهم است که روش تدریس باید همگام با منابع روز دنیا باشد. (مصاحبه شونده شماره ۲)

اگر شیوه‌های تدریس به درستی بازنگری و اصلاح گردند و از روش‌های تدریس جدید استفاده شود دانشجویان و سایر ذینفعات تصویر مناسبی از آموزش عالی کسب کرده و اعتماد جامعه به خصوص بخش صنعت به خروجی سیستم آموزش عالی بیشتر می‌شود. (مصاحبه شونده شماره ۷)

۲-۵ ارزشیابی فعالیتهای دانشجویان

دانشجو باید نقش پر رنگی در فرایند تدریس داشته باشد. اساتید می‌بایست به فعالیتهای کلاسی و مشارکت آنها در تدریس و مباحث اهمیت دهند. (مصاحبه شونده شماره ۳)

۲-۶ استفاده از رسانه‌های جدید

کتاب در ایران بسیار گران است و حمایت مناسب از دانشجو برای تهیه کتاب نمی‌شود و نمی‌توان انتظار داشت که استاد در چنین شرایطی منابع متعدد معرفی نماید. باید استادان به سمت معرفی منابع جدید و الکترونیکی بروند تا هزینه تأثیرگذار نباشد و تنوع مد نظر حاصل شود (مصاحبه شونده ۸).

۳- نتایج

تعداد مفاهیم سطح اول در بحث نتایج به دست آمده از اجرای راهکارها ۱۸ گویه بود که به ۵ کد شامل تقویت روحیه گروهی، شکل‌دهی فضای جمعی، تقویت روحیه پرسشگری و

انتقاد، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در دانشجویان و فعال شدن دانشجویان در فرایند تدریس تقلیل یافت.

۳-۱ تقویت روحیه گروهی

رواج یافتن کار گروهی داخل کلاس در نهایت، منجر به تقویت روحیه کار گروهی در میان دانشجویان می‌شود (مصاحبه شونده ۱۰).

اگر عمل استادان به شیوه‌ای باشد که در آن اقدام انفرادی مورد قبول نبوده و لازم باشد تا افراد کارهای گروهی را انجام بدهند، کار گروهی ترویج می‌شود (مصاحبه شونده ۱۱).

۳-۲ شکل‌دهی فضای جمعی

دانشجو اگر در کلاس‌های حل تمرین مشارکت داشته باشد، قبول مسئولیت و عمل کردن در گروه به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را تمرین می‌کند (مصاحبه شونده ۱۴).

انجام کارها به صورت گروهی یک مهارت است که بیش از هر چیز نیاز به تمرین دارد. فضای آکادمیک به علت تضارب آرا و ماهیت گروهی آن، مناسب‌ترین بستر برای این امر است (مصاحبه شونده ۱).

۳-۳ تقویت روحیه پرسشگری و انتقاد

جو کلاس در زمان تدریس نباید خشک و یک طرفه باشد. استاد باید به گونه‌ای تدریس کند تا دانشجویان به راحتی انتقاد کرده و نظرات استاد را به چالش بکشند (مصاحبه شونده ۱۸).

جو کلاس در زمان تدریس باید با تلاش و همکاری استاد به گونه‌ای برقرار شود که دانشجویان از انتقاد کردن و پرسیدن سؤالات خود واهمه نداشته باشند (مصاحبه شونده شماره ۲).

۳-۴ تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در دانشجویان

وقتی دانشجو در طول ترم تحصیلی خود بخشی از مسئولیت کلاس را بر عهده دارد و با سایر هم‌کلاسی‌های خود در پروژه‌های درسی همکاری می‌کند، بعد از خروج دانشگاه نیز تمایل به فعالیت در جمع را حفظ می‌نماید (مصاحبه شونده ۴).

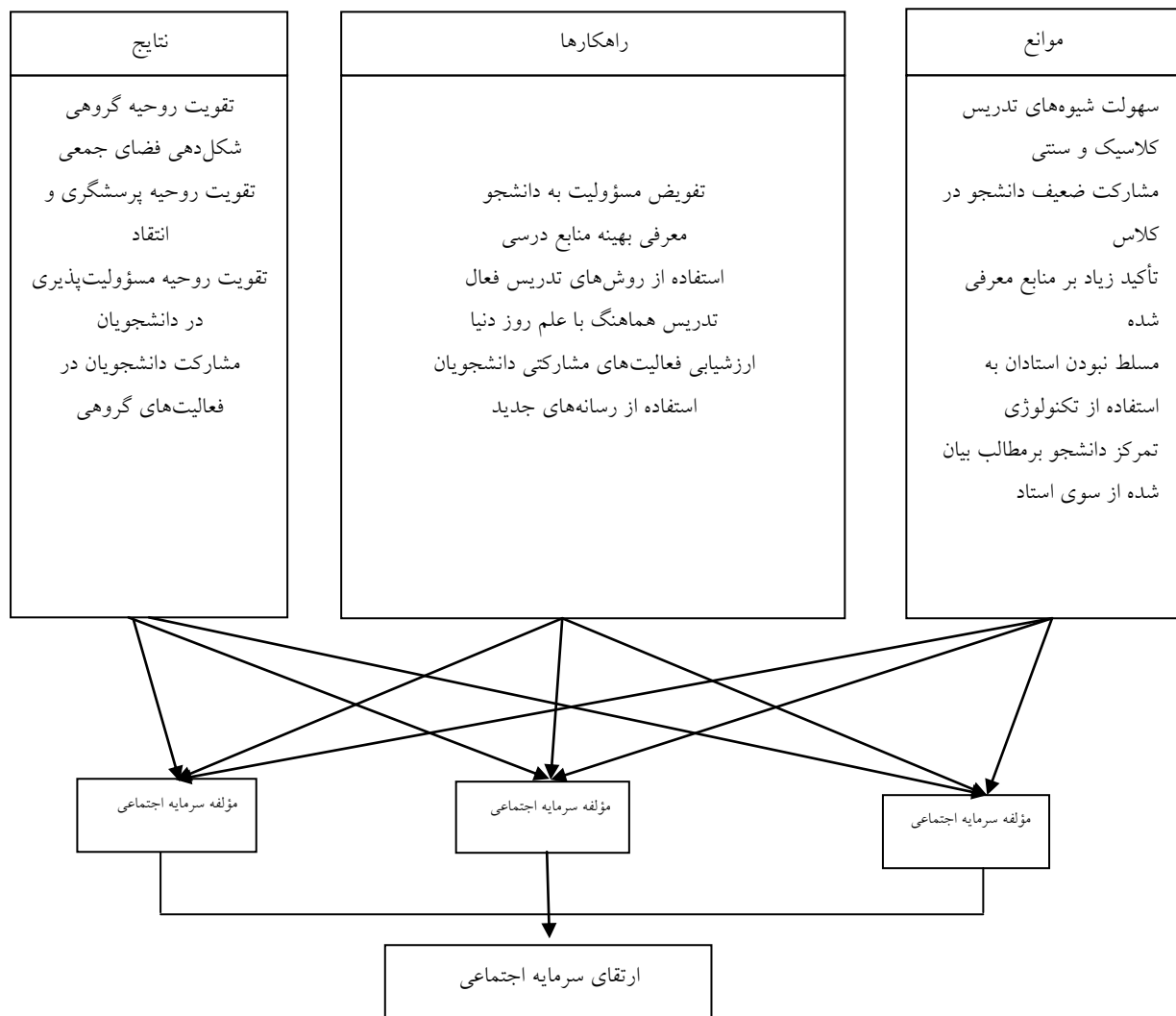
تغییرات سازنده در این بخش می‌تواند وجهه و خروجی نظام آموزش عالی را بازسازی نماید (مصاحبه شونده ۱۷).

اعتماد استاد به دانشجو و سپردن برخی مسؤولیت‌ها از قبیل تدریس و یا کلاس رفع اشکال به وی می‌تواند تأثیر خوبی بر سرمایه اجتماعی داشته باشد. تمرین مسؤولیت‌پذیری در کلاس می‌تواند روحیه مؤلفه‌هایی مانند مشارکت و انسجام را در افراد تقویت کند (مصاحبه شونده ۶).

در نهایت، مدل نهایی تحقیق که در واقع از تلفیق و یکپارچگی مقوله اصلی، موانع و راهبردهای اجرایی و پیامدهای آن‌ها پدید آمده است، به شرح زیر تدوین شد (شکل ۱):

شیوه تدریس برخی از استادان باعث می‌شود تا فضای کلاس دچار جمود شده و دانشجو تلاشی برای قرار گرفتن در جریان کلاس نکند. باید دانشجو در مواردی از قبیل ارایه سمینار و یا اداره کلاس‌های رفع اشکال، قبول مسؤولیت کرده و سطح درگیری وی بالا رود (مصاحبه شونده ۳).

۳-۵ مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های گروهی انتخاب شیوه‌های تدریسی که دانشجو نقش پررنگی در آن دارد، باعث تشویق فعالیت‌های دانشجویان در کلاس می‌شود. بسیاری از دانشجویان شیوه تدریس فعلی در دانشگاه‌ها را به دلیل درگیر نبودن دانشجو در آن، نتیجه‌بخش نمی‌دانند و انجام



شکل ۱: مدل روش تدریس جهت توسعه سرمایه اجتماعی بر اساس موانع، راهبردها و پیامدها

بحث و نتیجه‌گیری

شیوه تدریس از مواردی است که به صورت مستقیم بر سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. تغییر در شیوه‌های تدریس می‌تواند تأثیر زیادی بر سرمایه اجتماعی دانشجویان داشته باشد. از میان تمامی عناصر برنامه درسی، شیوه تدریس دارای بیشترین ارتباط با دانشجویان بوده و بیش از هر مؤلفه دیگری به مفهوم سرمایه اجتماعی نزدیک است.

روش تدریس باید گرایش هرچه بیشتر به سمت یادگیری و تدریس فعال داشته باشد. یادگیری فعال، نوعی یادگیری است که با حداقل دخالت عامل خارجی صورت پذیرد. در این شیوه یادگیری، استاد در سطح سایر عوامل مانند محیط آموزشی و منابع درسی تنها به عنوان عامل تسهیل کننده یادگیری عمل می‌نماید. این شیوه یادگیری در حالتی نتیجه‌بخش و تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی دانسته می‌شود که دانشجو به طور فعال در عمل یادگیری دخیل بوده و عمل یادگیری در کنترل خود او است. صولتی و همکاران در تحقیقی بر روی دانشجویان پزشکی نتیجه گرفتند که مشارکت هرچه بیشتر دانشجو در فرایند تدریس مطلوبیت بیشتری برای دانشجو ایجاد می‌کند (۱۹).

یافته‌ها نشان می‌دهد که شیوه‌های تدریس کنونی نه تنها نمی‌تواند افراد را به حضور و مشارکت فعال در کلاس تشویق کند، بلکه بزرگ‌ترین لطمه را نیز به ارتباط میان نهادهای جامعه و دانشگاه زده و اعتماد دو سویه میان دانشگاه و جامعه را دستخوش تغییر می‌کند.

Flick و Williamson در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که تنوع در روش‌های آموزشی موجب ارتقای سرمایه اجتماعی دانشجویان از قبیل یادگیری گروهی و یادگیری خدمات شده است (۲۰).

اولین نتیجه به دست آمده پس از تغییرات شیوه‌های تدریس و درگیر کردن دانشجو در آن‌ها، نهادینه شدن روحیه جمعی در میان دانشجویان است؛ به طوری که او را در ارتباط با سایر

گروه‌ها و نهادهای اجتماعی قرار داده و به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، فرد تمرین اجتماعی شدن می‌کند.

مطالعه‌ای در زمینه رضایتمندی دانشجویان رشته دندانپزشکی در شیراز از دو روش سخنرانی و مشارکتی به این نتیجه رسید که دانشجویان از روش مشارکتی رضایت بیشتری داشته و باعث افزایش سطح دانش آنان شده است (۲۱).

تغییرات پیش‌بینی شده برای برنامه درسی این امکان را در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهد که علاوه بر موارد فوق، با استفاده از اهرم‌های دیگری نیز روند اجتماعی شدن دانشجو را تحت تأثیر قرار داده و آن را تسریع نمایند.

یافته‌های تحقیق، بیانگر این است که کاهش سرمایه اجتماعی در افراد پس از ورود به دانشگاه در حال رخ دادن است. دانشگاه می‌تواند بستر مناسبی برای بسیاری از فعالیت‌هایی باشد که به صورت بالقوه افزایش دهنده سرمایه اجتماعی است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزان درسی در هنگام طراحی آن به شیوه تدریس، جدا از برنامه درسی نگاه نکرده و آن را جزء اصلی از برنامه درسی بدانند. بهتر است تا شیوه‌های تدریس که منجر به ارتقای سرمایه اجتماعی می‌شود به صورت واضح و مشخص در برنامه درسی گنجانده شود تا از برخورد سلیقه‌ای در زمان تدریس جلوگیری گردد.

مرجایی در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌ها، تفاوت سرمایه اجتماعی میان افراد با تحصیلات مختلف را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که در بسیاری از مؤلفه‌ها رابطه معنی‌داری میان میزان تحصیلات و سرمایه اجتماعی وجود دارد. به عبارت دیگر، با گذر از مقطع دکتری به مقطع کاردانی کاهش چشمگیری در بسیاری از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مشاهده شد. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی دانشجویان رابطه معکوسی با تعداد سنوات تحصیلی آنان داشت (۲۲).

شیوه فعلی در اجرای برنامه درسی بیش از هر چیز دچار جمود و رکود است. اصلاحات لازم در این زمینه باید هم در طراحی مجدد و اصلاح برنامه درسی و هم در اجرای مناسب

اعتماد، مشارکت و انسجام را تمرین کنند و برای زندگی واقعی، آمادگی لازم را کسب نمایند.

نتیجه‌گیری

استادان و برنامه‌ریزان درسی، هنگام تدوین برنامه درسی در حوزه علوم پزشکی باید مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را مد نظر قرار دهند. الگوی پیشنهادی می‌تواند به عنوان نقشه‌ای در زمینه طراحی روش تدریس مبتنی بر توسعه سرمایه اجتماعی در اختیار دانشگاه‌های علوم پزشکی قرار گیرد. استادان می‌توانند با اجرای تحقیقات مشابه در مقاطع و رشته‌های مختلف دیگر در این زمینه امکان تکمیل این الگو را فراهم کنند.

مشکلات تحقیق

پرداختن به طراحی روش تدریس در حد کلان باعث گسترش بیش از اندازه مفاهیم و مقولات تحقیق شد. این امر به خصوص در زمان کدگذاری مشکلاتی را به همراه داشت.

انتخاب و درخواست برای مصاحبه‌های تحقیق، فعالیت بسیار زمان‌بر بود و بسیاری از درخواست‌ها به علت مشغله بالای استادان بی‌پاسخ ماند.

تعداد مفاهیم مطرح شده در جلسات مصاحبه بسیار بالا بود و تنظیم و مرتب‌سازی آن‌ها زمان زیادی را به خود اختصاص داد. به علت درگیر بودن خود افراد در پروسه تدریس و دانشگاه، پالایش پاسخ‌ها برای حذف موارد دارای سوگیری، نیازمند دقت بالایی بود.

سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از کلیه اساتید عزیز و محترمی که در انجام این تحقیق همکاری نمودند، نهایت تشکر و قدر دانی را بنمایند.

References:

1. Woolcock M. Social capital and economic development toward a theoretical synthesis and policy framework. *Theory and Society*. 1998; 27(2): 151-208.

آن صورت پذیرد. برای ایجاد تغییرات مثبت در اجرای برنامه درسی پیشنهاد می‌شود که از رویکرد تدریس فعال استفاده شود. در این رویه، به جای آن که مجموعه‌ای از مفاهیم و حقایق نامرتبط به دانشجویان ارائه شود، تلاش می‌شود که فعالیت‌های یادگیری همراه با درگیر کردن دانشجویان در موقعیت‌های حل مسئله واقعی باشد. مرقاتی خوبی و همکاران به این نتیجه رسیدند که باید برنامه‌های آموزشی به منظور کاربرد روش‌های نوین تدریس در جهت ارتقای یادگیری و رضایتمندی دانشجویان بازبینی گردد (۲۳).

معین و حیدری سراج در مطالعه‌ای میان دانشجویان رشته پزشکی هنگام گذراندن واحد پوست نتیجه‌گیری کردند که بحث گروهی یک روش ارزشمند در فرایند یاددهی و یادگیری با مشارکت فعال و پویای دانشجویان است که باعث یادگیری مستقل و فهم عمیق مطالب درسی، توجه بیشتر به نکات کلیدی و ایجاد محیطی با نشاط در آموزش می‌گردد (۲۴).

بنابراین، هنگام طراحی برنامه درسی باید به استادان این آزادی عمل داده شود تا با توجه به سطح معلومات و میزان علاقه و پشتکار دانشجویان خود در کلاس، قادر به تغییر دفعی و کامل برنامه تدریس بوده و بتوانند علاوه بر کمک در آموزش افراد، به آنان این فرصت را نیز بدهند که بسته به میزان تجارب و یادگیری خود نقشی را در فرایند یادگیری ایفا نمایند. در این شیوه، استقلال فرد یادگیرنده باید مورد توجه قرار گیرد و فرایند یادگیری به طور متناوب از دانشجو به استاد و از استاد به دانشجو تغییر کند.

در شیوه‌های یادگیری فعال و مبتنی بر مشارکت دانشجو، چنانچه هدف ارتقای سرمایه اجتماعی باشد، عضویت در گروه نقش اساسی باید داشته باشد. فعالیت حقیقی در قالب گروه و مسؤول بودن تک تک اعضا درباره نتیجه کل، به افراد گروه این امکان را می‌دهد تا مؤلفه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی از قبیل

2. Tahghighi A. Social capital of governments and organization in Iran. *J Islamic Law*. 2005; 11-12: 70-9. [In Persian]
3. Putnam R. *Social Capital: Measurement and Consequences*. Massachusetts, United States:

- Kennedy School of Government, Harvard University; 2005.
4. Tavassoli GH. The end of order. (Translation). Fukuyama F. Tehran: Iranian Society Press; 2006. [In Persian]
5. Saifollahi S. Sociology in social problems in Iran. Collection of articles and ideas. Tehran: Jamee Pajooahan – e- Sina Press; 2005.
6. Kavianpour J. Urban management and social capitals. [Cited 2007 Mar 8]. Available from: <http://vista.ir/article/254912>. [In Persian]
7. Zaker Salehi GR. The Paradox of Social Capital of Iranian Educated People: Survey and study on the relationship between higher education and social capital in Iran. J Engineering Educ. 2008;40(1); 25-51.
8. Tonkaboni F, Yousefy A, Keshtiaray N. The relationship between the curriculum of higher education and social capital. J Education and Training. 2013; 1(1): 39-47.
9. Delforooz MT. Democracy and Civic traditions. (Translation). Putnam R. Tehran: Salam Press; 2005. [In Persian]
10. Schiff M. Labor mobility, Trade and Social capital. [Cited 2001 Mar 8]. Available from: <ftp://repec.iza.org/pub/SSRN/pdf/dp1027.pdf>.
11. Chalabi M. Sociology of Order. Tehran: Ney Pub; 2007. [In Persian]
12. Yarmohammadian MH. Curriculum Planning Principles. Tehran: Yadvare Ketab; 2012. [in Persian]
13. Mehrmohammadi M. Curriculum theories, approaches and perspectives. Tehran: Samt Pub; 2009. [In Persian]
14. Tonkaboni F, Yousefy A, Keshtiaray N. Description and recognition the concept of social capital in higher education system. Int Educ Studies. 2013;6(9); 40
15. Ornstein C. Curriculum foundation principles and issues. London: Mc Cutahan Pub; 2011.
16. Shabani H. Skill's education. Tehran: Samt Pub; 2006;10-11. [In Persian]
17. Behrangi MR. Models of teaching. (Translation). Joyce B. Tehran: Kamal-e-Tarbiat; 2008. [In Persian]
18. Burns N, Grove SK. Understanding nursing research: Building an evidence-based practice. 4th ed. Philadelphia: Saunders Co; 2007;124-30.
19. Solati M, Javadi R, Hoseini Tashnizi S, Asghari N. Desirability of two participatory methods of teaching, based on students' viewpoint. Hormozgan Med J. 2010; 14(3): 191-7. [In Persian]
20. Flick B, Williamson K. Frontiers in Education, FIE Apos, Proceedings of the 35th Annual conference on education; 2005 Oct 19-22, Indiana, USA 2005: 1302-6.
21. Momeni Danaie S, Zarshenas L, Oshagh M, Omidekhoda M. Which method of teaching would be better; cooperative or lecture? Iran J Med Educ. 2011; 11(1): 1-8.
22. Marjaee S. H. Social capital among students. Tehran: the Institute of Research and Planning; 2004. [in Persian]
23. Merghati-Khoei E, Zareie F, Bayat A, Dastoorpour M, Rimaz S. Exploring the teaching and learning approaches from the viewpoint of postgraduate students and their lecturers. J Health Educ Health Promotion. 2013; 1(3):67-82. [In Persian]
24. Moein A, Heydari Seraj M. Comparison of viewpoints of dermatology medical students involved in teaching-learning process about two methods of learning: group discussion versus lecture. Dermatology & Cosmetic. 2014;5(2):82-8. [In Persian]

Teaching Model in Medical Sciences Curriculum Development with the Aim of Promoting Social Capital among Students

Forouzan Tonkaboni^{1*}, Fatemeh-Al-sadat Robaty²

1. PhD in Curriculum Development, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, School of Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

• Received: 21 Nov, 2015

• Received Corrected Version: 28 Feb, 2016

• Accepted: 6 Mar, 2016

Background & Objective: With the presentation of topics related to social capital, the attention of scholars has been drawn to the ability of curriculums to develop social capital and its components (trust, participation, and solidarity). The current study aimed to present a teaching model for curriculum development for medical students in order to improve their social capital.

Methods: This qualitative survey was carried out based on grounded theory. Data were gathered through interviews with 18 professors of medical curriculum planning. The subjects were selected through purposive sampling. Open, axial, and selective coding approaches were used to analyze the data.

Results: Teaching method was recognized as the main context of the present paper. Then, barriers to, strategies, and outcomes of the main context of the study were separated and plotted within a research paradigm and the final model of the study was created.

Conclusion: In the planning of the curriculum for medical sciences students, factors effective on social capital promotion must be considered in the development of teaching methods.

Key Words: Curriculum, Social capital, Teaching method, Medical sciences students, Medical sciences professors

*Correspondence: Department of Educational Sciences, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran

• Tel: (+98) 21 3615 7111

• Fax: (+98) 21 3611 4282

• Email: ftonkaboni@gmail.com